

فرهنگ و تمدن در آفریقا

مولف: دکتر محمد رضا حاتمی

عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور

حاجی، محمدرضا
فرهنگ و تمدن در آفریقا/مؤلف محمدرضا حاجی.
دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
تهران: موسسه فرهنگی هنری و انتشارات بین‌المللی
الهدی، ۱۳۹۲.
۳۶۸ ص.
۹۷۸-۹۶۴-۶۳۹-۶۱۳-۷
فیفا
آفریقا
آفریقا -- تمدن
تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت
امور خارجه
۱۳۹۲ ق/۲/۴ DIT
۹۶۰
۳۱۵۸۷۴۵

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور
نظارت و تدوین
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
شابک
وضعیت فهرست نویسی
موضوع
موضوع
شناسه افزوده
رده بندی کنگره
رده بندی دیویی
شماره کتاب سی ملی

فرهنگ و تمدن در آفریقا



مؤسسه فرهنگی، هنری و انتشارات بین‌المللی الهدی
مؤسسه الهدی الثقافية والفنية للنشر الدولي
Alhoda International, Cultural, Artistic &
Publishing Institution
Tehran - P.O.Box 14155-4363
www.alhodapublication.ir
info@alhodapublication.ir
Tel: +98 21 22211211 - 22206714



مرکز مطالعات فرهنگی-بین‌المللی
سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی
International Cultural Studies Center
Department of Research & Education
Islamic Culture & Relations Organization
Tel: +98 21 88153308
Email: C.C.I.S @ icro.ir
با همکاری دفتر مطالعات سیاسی و
بین‌المللی وزارت امور خارجه



دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه
Institute for Political and International Studies (IPIS)
www.ipis.ir
Tel: +98 21 2280 2641

مؤلف: دکتر محمدرضا حاجی
(عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور)
نظارت و تدوین: دفتر مطالعات سیاسی و
بین‌المللی
ناشر: مؤسسه فرهنگی، هنری و انتشارات
بین‌المللی الهدی
نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۲ هجری شمسی
شمارگان: ۱۰۰۰
قیمت: ۱۸۵۰۰۰ ریال
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۳۹-۶۱۳-۷
نشانی: تهران، خیابان شهید لواسانی (فرمانیه)
شماره ۱۶۴

صندوق پستی: ۴۳۶۳ - ۱۴۱۵۵
تلفن: ۰۲۱ - ۲۲۲۱۱۲۱۱ - ۲۲۲۰۶۷۱۴
فکس: ۲۲۲۰۶۷۱۳

فهرست مطالب

پیشگفتار	۹
مقدمه	۱۳
فصل اول: ویژگی‌ها و اهمیت قاره‌ی آفریقا	۲۱
۱. ویژگی‌های طبیعی و جغرافیایی	۲۲
۲. ویژگی‌های عمومی	۲۶
۳. ویژگی‌های سیاسی	۲۹
۴. ویژگی‌های اقتصادی	۳۲
۵. ویژگی‌های فرهنگی	۳۶
۶. ویژگی‌های اجتماعی	۴۰
فصل دوم: آفریقا در مسیر استقلال و اتحاد	۴۳
درآمد	۴۳
۱. استعمارزدایی و استقلال‌طلبی	۴۵
۲. آفریقا پس از جنگ جهانی اول	۴۸
۳. آفریقا پس از جنگ جهانی دوم	۴۹
۴. سازمان وحدت آفریقا	۵۶
۵. اتحادیه‌ی آفریقا	۶۴
۶. چالش‌های فراروی اتحادیه‌ی آفریقا	۷۰
۷. راه‌کارهای ارتقای جایگاه اتحادیه‌ی آفریقا	۷۱
۸. رویکرد خارجی اتحادیه‌ی آفریقا	۷۳
۹. طرح نپاد	۷۴
فصل سوم: سنت‌ها و قومیت‌ها در آفریقا	۷۹
درآمد	۷۹
۱. قبایل و گروه‌های اجتماعی در آفریقا	۸۰
۲. تنوع قومی آفریقا	۱۱۲
۳. کثرت و تنوع زبان‌های آفریقایی	۱۱۴
۴. توزیع جمعیت	۱۱۹
۵. جایگاه سنت و نیاکان در فرهنگ آفریقا	۱۳۰
۶. سنت تروکوسی یا بردگی دختران در آفریقا	۱۳۹

۱۳۸	۷. جایگاه روح در فرهنگ آفریقا
۱۴۶	۸. اسطوره‌های تاریخی در آفریقا
۱۵۰	۹. جایگاه ماسک در اساطیر غرب آفریقا
۱۵۹	۱۰. هنر و جایگاه آن در زندگی مردم آفریقا
۱۶۴	۱۱. موسیقی و رقص در آفریقا
۱۷۳	فصل چهارم: ادیان و مذاهب در آفریقا
۱۷۳	درآمد
۱۷۹	۱. ماهیت ادیان بومی آفریقا
۱۸۳	۲. اعتقادات اصلی در ادیان بومی آفریقا
۱۸۹	۳. جاودانگی و بقا
۱۹۰	۴. رابطه‌ی دین و اجتماع
۱۹۴	۵. ادیان و آزادی مذهبی در آفریقا
۲۰۰	۶. مسیحیت در آفریقا
۲۰۹	فصل پنجم: اسلام در آفریقا
۲۰۹	درآمد
۲۱۰	۱. چگونگی ورود اسلام به آفریقا
۲۱۶	۲. دلایل عدم گسترش اسلام به جنوب آفریقا
۲۲۱	۳. تاثیر و نقش اسلام در آفریقا
۲۳۱	۴. مساجد و مدارس دینی در آفریقا
۲۳۲	۵. آموزش‌های اسلامی و قرآنی در آفریقا
۲۳۶	۶. برخی مراسم اسلامی در آفریقا
۲۳۷	۷. رقابت اسلام و مسیحیت در آفریقا
۲۴۱	فصل ششم: تحولات در آفریقا
۲۴۱	درآمد
۲۴۵	۱. قاره‌ی آفریقا و جهانی‌شدن
۲۸۵	۲. جهانی‌سازی و تبلیغات مذهبی در آفریقا
	۳. جهانی‌سازی و اثرات آن بر میلیمانیان
۲۸۶	آفریقا
۲۸۸	۴. جهانی‌سازی و باورهای آفریقایی
۲۹۴	۵. کارکرد جهانی‌سازی در آفریقا
	۶. جایگاه و نقش رسانه در جهانی‌شدن
۲۹۵	آفریقا
۲۹۸	۷. جهانی‌سازی و موقعیت زنان در آفریقا

۸. حضور گروه‌های دینی در فضای سایبر ۳۰۴
۹. زبان، هویت نژادی و بحران مدیریت در
آفریقا ۳۰۵
۱۰. مدرنیسم در آفریقا ۳۱۹
۱۱. غلبه عقوبت‌ماندگی و فرار مغزها در
آفریقا ۳۲۳
۱۲. وضعیت اجتماعی و آموزشی در آفریقا ۳۲۵
۱۳. بحران‌های جاری در آفریقا ۳۵۲
- فهرست منابع ۳۶۲

پیشگفتار

با مطالعه‌ی تاریخ آفریقا، به‌ویژه سوانیق استعماری و کشورگشایی اروپایی‌ها در این قاره، می‌توان دریافت که بحران‌های اجتماعی و فرهنگی که امروزه این کشور با آن روبه‌رو است، نتیجه‌ی پیشینه‌ی سراسر محرومیت و مظلومیت مردم ستمدیده‌ی این منطقه و تجاوزات و تعدیات دولت‌های اروپایی بوده است. غارت منابع و ثروت‌های طبیعی این قاره و هدر رفتن استعدادهای ملل آفریقایی، بحران هویت و دیگر مشکلات فرهنگی و اجتماعی، جملگی پیامد ناگوار کشورگشایی‌ها، تجاوزات، بیشمار کشورهای غربی، سلطه‌ی استعمار و حضور امپریالیست‌ها در این قاره‌ی بی‌دفاع بوده است. قطعاً روند گسترش بحران که تاکنون در رأس آن بحران فرهنگی، اخلاقی و هویتی بوده است، پس از استعمار به‌طور قابل توجهی افزایش یافته است. ستیزهای شدید فرهنگی در آفریقا در همه‌ی جنبه‌های فرهنگ آفریقایی، از دین تا دانش، از سیاست تا اقتصاد و از اخلاق تا دریافت‌های کلی اجتماعی نفوذ کرده است. در حقیقت آفریقا، پس از استعمار با دو فرهنگ دگرگون شده، مواجه شده است و این دگرگونی که

در اثر رسوخ و انتقال عناصر فرهنگی از جامعه‌ای به جامعه‌ی دیگر رخ داده، گسست عناصر بومی و سنتی و توسعه‌ی فرهنگ وارداتی غربی را موجب شده است که نشانه‌های این از هم گسیختگی در تمام بخش‌های فرهنگی آفریقا، کاملاً آشکار است و متأسفانه در بیشتر موارد نویسندگان غربی و برخی روشنفکران آفریقایی با طرح موضوع سنت و تجدد، تحت عنوان تجددخواهی و پیشرفت، این قاره را به سوی بی‌بند و باری‌های غربی سوق داده‌اند. در همین راستا برخی متفکرین و نویسندگان غربی، تمدن آفریقایی را فاقد ریشه و اساس ارزیابی کرده و یک تصویر بسیار منفی و نامطلوب از این منطقه در قالب سرزمین فقر و فساد، جنگ و قحطی و توحش و بربریت در نزد افکار عمومی جهان معرفی کرده‌اند. مونتسکیو ضمن متوحش دانستن این جوامع، توحش آنان را به این دلیل می‌داند که «این جوامع سرزمین‌هایی غیرقابل سکونت هستند» و هانتینگتون در کتاب برخورد تمدن‌های خود شک دارد که آفریقا خود دارای تمدن جداگانه‌ای باشد!

این نظریه و طرز فکر با تبلیغات و زمینه‌سازی استعمارگران و تسلط نظام رسانه‌ای غرب به‌ویژه در قرون اخیر به شکل غیرمنتظره‌ای گسترش یافت. و این در حالی است که تمدن آفریقایی سابقه‌ای دیرینه نسبت به تمدن غرب دارد و با پشتوانه‌ی قوی و پیشینه‌ی دیرینه‌ی خود نقش مهمی در روند معادلات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ایفا کرده است. ناگفته نماند که شخصیت‌های بارز اجتماعی و نخبگان سیاسی و فرهنگی برجسته‌ای از این قاره برخاسته‌اند و از این توطئه تبلیغاتی غرب غفلت نورزیده و توجه ملل آفریقایی را به تاریخ و تمدن دیرین خود معطوف داشته‌اند. رهبران و متفکران بزرگی چون جوموکنیاتا، پاتریس لومومبا، جولیس نایرره، قوام نکرومه، امه سه زر، نلسون ماندلا و کوفی عنان و... که وجهه‌ی بین‌المللی دارند، در چند دهه‌ی اخیر تاریخ آفریقا، اقدام به بیان نقطه نظرات خود

۱. کرین هارمن، تاریخ مردمی جهان، ترجمه‌ی پرویز بابایی و جمشید نوایی، تهران: انتشارات نگاه.

و ایجاد تحولات اساسی در آفریقا کرده‌اند. قوام نکرومه یکی از رهبران جنبش عدم تعهد و سازمان وحدت آفریقا، می‌گوید: «ما باید تاریخ خود را با تأکید بر گذشته و منبعث از جایگاه برجسته‌ی آن بنویسیم که بیانگر تاریخ واقعی این جوامع است.»^۱

هر چند پرداختن به جوامع آفریقایی از نظر تاریخی، امروز در محافل علمی در حال گسترش است و برخلاف آنچه جامعه‌شناسان و سیاسیون غربی پیش‌بینی می‌کردند بسیاری از صاحب‌نظران مسائل سیاسی و علم انسان‌شناسی (آنتروپولوژی) و مورخین، بخصوص بعد از تحولات سال‌های اخیر آفریقا، به مطالعه هر چه بیشتر بر روی این جوامع پرداخته و تأکید ورزیده‌اند. با این وجود رسانه‌های گروهی غرب هنوز هم به انتشار اخبار نادرست در زمینه‌ی گسترش روز افزون فقر و گرسنگی، توحش و بربریت و درگیری‌های قومی و نژادی در راستای اهداف شوم نئواستعماری تصویر نادرستی از این قاره ارائه می‌دهند.

گرچه نمی‌توان مدعی شد که نظام‌های سیاسی در آفریقا در مقابل نظام اقتصاد جهانی از نوعی استقلال کامل برخوردارند و در زمینه‌ی سیاسی نیز تحت تأثیر قدرت‌های بزرگ دنیا نیستند ولی نمی‌توان و نباید، هم بر روی واقعیت‌های این جوامع و تلاش آنها در بازگشت به تاریخ و هویت تاریخی خود و بنای نوعی فرهنگ مستقل چشم پوشید.

بنابراین، رجوع به منابع و متون اصلی و دست اول و توجه به دریافت اطلاعات صحیح و پردازش آنها براساس هویت تاریخی و فرهنگی آفریقا، وظیفه‌ای اجتناب‌ناپذیر بردوش محققین و پژوهشگران آفریقا است تا از این رهگذر با نظریه‌پردازی روشنگرانه یا حداقل با نوعی اطلاع رسانی صحیح و مناسب بتوان جوهره و جایگاه واقعی جوامع آفریقایی را براساس ساختارهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی معرفی کرد. این اثر درصدد فرا نهادن گامی کوچک در این راستا با استفاده از مشاهدات میدانی و مطالعات مستمر نویسنده در حوزه‌ی آفریقا است.

۱. قوام نکرومه، آفریقا باید متحد شود، ترجمه‌ی محمد توکلی، تهران: انتشارات مروارید، ۱۳۵۶، ص ۳۴.

در اینجا لازم می‌دانم از دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه که با توجه به رسالت خود در ترویج و ارتقاء ادبیات و فرهنگ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در کشور از تدوین و تالیف این اثر حمایت نمودند تشکر و قدردانی نمایم. همچنین در چارچوب حفظ اصول و ارزش‌های اسلامی و اخلاقی از دوستان گرامی آقایان محمدرضا ثمری، سید کاظم مهرنیا، نوید رسولی و جناب آقای سید نعمت‌اله قادری مدیر محترم گروه مطالعات آفریقا در دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی و سفیر سابق جمهوری اسلامی ایران در تانزانیا که در ویرایش علمی این نوشتار نقش داشته‌اند مراتب سپاس و تشکر خود را اعلام می‌نمایم.

در پایان بر خود لازم می‌دانم از جناب آقای دکتر محمدرضا دهشیری معاون محترم آموزشی و پژوهشی و جناب آقای پالیزدار رئیس محترم مرکز مطالعات فرهنگی بین‌المللی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، جناب آقای دکتر مصطفی دولت‌یار مدیر کل محترم دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه که سهم به‌سزایی در تسهیل و حمایت از تالیف، چاپ و نشر این اثر داشته‌اند، صمیمانه تشکر کرده و از خداوند متعال برای ایشان توفیق روزافزون مسئلت نمایم.

محمدرضا حاتمی^۱

۱. مدیر کل سابق اداره‌ی آفریقا و عربی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و راینر فرهنگی سابق جمهوری اسلامی ایران در غنا.

مقدمه

هدف از بررسی مسائل کشورهای قاره‌ی آفریقا، آشنایی با اوضاع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشورهای این قاره است. مسائل جمعیتی مربوط به اقوام و ملل متعدد و متنوع این قاره که برخاسته از نژادهای گوناگون در سرزمین‌های مختلف بوده، هر یک با سنت‌های تاریخی و ریشه‌های فرهنگی و اجتماعی خاص خود به نظام‌های اقتصادی و سیاسی گوناگون متعلق‌اند. در این قاره‌ی عظیم، هم مردمی به‌سر می‌برند که وارث کهن‌ترین تمدن‌های موجود هستند و هم مردمی که در شرایط و کیفیات عصر حجر زیست می‌کنند، مردمی که از طرفی هنوز ثروت‌های عظیم دست‌نخورده دارند و از طرف دیگر سال‌ها بر اثر هجوم استعمارگران ثرویشان به غارت رفته است.

اگرچه استعمار همیشه سعی در پوشاندن واقعیات دنیای قاره‌ی سیاه (آفریقا) داشته است و ملت‌های این قاره را فاقد هرگونه تمدن و تاریخی نشان داده است، اما واقعیات چیز دیگری است. آفریقاییان بانی فرهنگ‌های اصلی هستند که طی قرون متمادی در شیوه‌هایی که خاص آن‌هاست

جنوبی و جزایر کارائیب که میراث آفریقایی آن در چگونگی احساس و طرز تفکر و تخیل و عمل تأثیر به‌سزایی بر جای گذاشته و نسل‌های آفریقایی در شکل‌گیری هویت‌های ملی نقش فعالانه‌ای داشته‌اند جهت ارزیابی مسائل قاره‌ای آفریقا از اهمیت خاصی برخوردار است.

تاریخ نفوذ و گسترش مسیحیت و اسلام در این قاره و نیز اثرات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی اسلام و مسیحیت در کشورهای آفریقایی یکی دیگر از مباحث مهم است. نفوذ استعمار از طریق معابد و کلیساهای مسیحیت با همکاری مبلغان و کشیشان مسیحی نیز از مواردی است که نمی‌توان به راحتی از آن گذشت.

بررسی دقیق مسائل آفریقا مبتنی بر تجزیه و تحلیل نقش استعمار در این قاره از یک طرف و استقلال یکایک کشورهای آفریقایی به دنبال رشد آگاهی مردم و زوال قدرت استعمار از طرف دیگر حائز اهمیت است. جهت دستیابی به راه‌هایی که منتهی به استقلال و آزادی کشورهای آفریقایی شد، باید جنبش‌ها و نهضت‌های آزادی‌بخش آفریقا از جمله جنبش‌های دهقانی سودان (۱۸۴۴) و جنوب آفریقا و جنبش‌های ضد استعماری مانند نیجریه (۱۸۰۴)، آنگولا (۱۹۵۴)، غنا (۱۹۵۷)، اریتره (۱۹۶۰)، بیافرا (۱۹۶۷) و نیز جنبش‌های ضد نژادپرستی آفریقای جنوبی (در مرحله ۱۹۴۲ و ۱۹۷۶)، زیمبابوه (۱۹۷۵) و نامیبیا (۱۹۵۸) را مورد بررسی دقیق قرار داد.^۱

از لحاظ سیاسی و نظام‌های حکومتی نیز طبیعی است که مردم آفریقا، علی‌رغم انواع حکومت‌ها و ایدئولوژی‌های موجود با یک سلسله مسائل مشترک روبه‌رو باشند. مطالعه‌ی انواع حکومت‌های استعماری و مستقل در طول تاریخ آفریقا و نیز ایدئولوژی‌های سیاسی خاص آفریقا همچون پان‌آفریکانیزم و تشکیل سازمان‌های منطقه‌ای مثل سازمان وحدت آفریقا و اتحادیه‌ی آفریقا بخشی دیگر از مباحث و مسائل آفریقا است. توسعه و علل توسعه نیافتگی در آفریقا نیز از اهم مسائل اقتصادی - سیاسی و

۱. نوید رسولی، نیجریه سرزمین زبان‌ها و قومیت‌ها، تهران: انتشارات الهدی، ۱۳۸۵، صص ۵۲، ۷۵، ۸۶ و فرازنده، محمود، تحلیل ساختاری جنبش‌های چریکی آفریقا، تهران: موسسه اندیشه سازان نور، ۱۳۸۸، ص ۷۲۳.

فرهنگی قاره‌ای آفریقا است که به‌طور جداگانه باید مورد تجزیه و تحلیل واقع شود.

با این وجود در این کتاب تلاش شده است که حتی المقدور اطلاعات کلی که شامل جلوه‌هایی از فرهنگ و تمدن آفریقا، از جمله ادیان و سنت‌های بومی، فرهنگ و هنر، رقص و موسیقی، اقوام، قبایل و گروه‌های نژادی، سوابق و ریشه‌های تاریخی اسلام، نفوذ مسیحیت و رقابت آن با اسلام، سوابق استعماری کشورهای امپریالیستی و مبارزات مردم آفریقا برای نيل به استقلال، آموزش و عمده موانع و چالش‌های آموزشی موجود به‌ویژه در جوامع مسلمان و همبر‌طور گرازش برخی از تحولات نوین آفریقا در فصول و بخش‌های آتی در اختیار خوانندگان محترم قرار گیرد.

این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که آفریقاشناسی اگرچه علم جدیدی نیست و سابقه‌ای بسیار طولانی دارد، با این حال از نیمه دوم قرن نوزدهم به بعد این مقوله از اهمیت و اعتبار افزون‌تری برخوردار شده و نظر کشورهای بیشتری را به خود جلب کرده است. در حال حاضر دهها مرکز مطالعه‌ی آفریقا در فرانسه وجود دارد. در آمریکا بیش از هشتاد مرکز برای مطالعه و شناخت آفریقا تأسیس شده است. در استکهلم سوئد مراکز متعدد آفریقاشناسی راداندازی و ایجاد شده است. دانشگاه ناپل ایتالیا، دانشکده مستقل مطالعات آفریقا دارد و اینها همه حاکم از آن است که فرهنگ، تمدن و امکانات آفریقا به مثابه‌ی شادراهی بوده که برای بسیاری جاذبه داشته و در تمامی رخدادهای بزرگ بین‌المللی از همسنگ ویژه‌ای برخوردار بوده است. از این رو تمامی قدرت‌ها، ضمن تلاش برای بهره‌مندی از امکانات این قاره به نوعی در حوادث آن دخیل بودند.

ایرانیان نیز از قدیم‌الایام توجه خاصی به آفریقا داشته‌اند. براساس شواهد تاریخی، داریوش پادشاه هخامنشی دستور لایروبی کانال سوئز را صادر کرد. این مسأله نشان می‌دهد که مناسبات میان ایران و آفریقا بیش

از ۲۵۰۰ سال قدمت دارد، به طوری که اولین لایروبی کانال سوئز توسط ایرانیان صورت گرفت.^۱ پروفسور هنری لوئیس گیت محقق تمدن آفریقا در دانشگاه هاروارد ضمن بازدید از آثاری در زنگبار - شهر قدیمی اونگجا - که به پارسیان تعلق دارد، معتقد است که مردم خلیج فارس از ۲۰۰۰ سال قبل به شرق آفریقا رفت و آمد داشته‌اند.^۲ همچنین، عبدالعزیز عبدالسلام در کتاب خود با عنوان «ایرانیان در شرق آفریقا» به این موضوع اشاره کرده است که اولین بار معماری و خانه‌سازی با سنگ و ساروج را ایرانیان در شرق آفریقا رواج دادند. بنابراین در خصوص روابط ایران و آفریقا باید گفت که خوشبختانه در گذشته، ارتباط دوسویه و متقابل بین طرفین، خصوصا در شرق آفریقا در سطح گسترده برقرار بوده که حائز منافع مادی و معنوی فراوان برای دو منطقه بوده است. هرچند امروزه به دلیل بی‌توجهی به مسائل مشترک فرهنگی و اقتصادی بین دو خطه و عدم تلاش برای گسترش همکاری‌ها، این نشاط و پویایی لازم، چندان احساس نمی‌شود. این مشکل که بیشتر ناشی از مسائل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ارتباطی موجود در جهان سوم است باید به نوعی چاره‌اندیشی شده و برای رفع این معضل تلاش شود. برای درک صحیح معنا و ارزش آفریقاشناسی برای خوانندگان لازم است این نکته روشن شود که تاریخ آفریقا مشحون از روابطی است که مردمان آن خطه با دیگر نقاط آفریقا برقرار کرده و طی آن، به داد و ستد اقتصادی و فرهنگی پرداخته‌اند. براساس مدارک به دست آمده، ایرانیان از زمان هخامنشیان با آفریقا رابطه و مراسله داشته و در برخی سواحل شرقی، دارای امکانات و اعتبارات ویژه‌ای بوده‌اند. آفریقاشناسی براساس وقایع‌نگاری روزانه ملوانان ایرانی، هندی و چینی شکل گرفته و سپس با خطرات و خاطرات جهانگردان بزرگی همچون مسعودی و ابن بطوطه عجین شده و مورد توجه اندیشمندانی از دنیای قدیم مانند ابن خلدون قرار گرفته و با پژوهش‌های گسترده‌ی قرن نوزدهم و بیستم پربار گردیده

۱. محسن پاک‌آیین، سیاست و حکومت در آفریقا، تهران: نشر نقطه، ۱۳۷۷، ص ۹۰.

۲. مجله‌ی ایست آفریقا، ۳۰ آوریل ۲۰۰۱، ویژه‌نامه‌ی بندر تنگه.

و به صورت یک علم تجربی در آمده است. در این زمینه گفتنی است که سالانه بیش از ده هزار جلد کتاب و رساله در خصوص آفریقا به رشته‌ی تحریر درآمده که هر یک حاصل سال‌ها تلاش دانشمندان و مؤلفان این حوزه است.^۱ متأسفانه برای شماری از کشورهای جهان سوم، آفریقا واژه‌ای است که سیاهی، تباهی، نیستی و پوچی را تداعی می‌کند. برای آنها سیاهی تنها یک خصیصه‌ی آن قاره و بنابراین فاقد اهمیت و اعتبار است. در صورتی که برای شماری دیگر، آفریقا یک بار معنایی گسترده داشته که دریایی از امکانات مادی و معنوی را در خود ذخیره کرده و کوهر خود را بر کسانی عرضه می‌دارد که در جستجوی آن بوده و از مشکلات نهراسند. در واقع اگر برای سیاستمداران غربی توجه بیشتر، به معنی دست کشیدن آنها از شیوه‌های نامناسب پیشین برای اقناع آفریقایی‌ها به حسن نیتشان است، برای ایرانی‌ها این سرمایه به سمت پیشینیان فرهنگ دوست و نوع‌پرور در آن خطه، به‌ویژه در سواحل شرقی آن مهیا شده و کافی است از آن زمینه بهره‌برداری گردد. باید در نظر داشت که در یک نظام جهانی، جنبه‌های متعددی از زندگی مردم و دولت‌ها از سازمان‌ها و شبکه‌های اجتماعی که هزاران کیلومتر از آنها دورتر هستند، تأثیر می‌پذیرند و چه بسا بی‌توجهی به این ضرورت و اقتضای جهانی مبنی بر ارتباط سازنده و گسترده با تمامی نقاط جهان ممکن، موجبات ضرر و زیان را فراهم آورد. بی‌شک شناخت آفریقا به دور از تحلیل و بررسی امکانات اقتصادی، توانایی‌ها، شرایط تاریخی، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، اقتصاد و فلسفه و اهمیت آن خطه در روابط بین‌المللی امکان‌پذیر نیست. همچنین، ضروری است که بخش‌های مرتبط با مسائل آفریقا، تمامی امکانات خود را برای روشن کردن موضوعات مربوط به اندیشه، فرهنگ و تمدن، اقتصاد و تجارت به کار گرفته و به طور جدی در جهت بازپالایی مفروضات غیرواقعی تلاش کنند. باید پذیرفت که آفریقا‌شناسی به منظور استفاده از امکانات موجود در آن خطه، یک انتخاب نیست بلکه یک واقعیت اجتناب ناپذیر بوده که هر آینه

غفلت از آن متضمن خسران خواهد بود. موضوع دیگر آنکه در وضعیت فعلی جهان (به دلایل فشارهای مادی و معنوی کشورهای قدرتمند شمال با بیست درصد جمعیت و هشتاد درصد سرمایه جهان)، کشورهایی که نخواهند در گسترش ارتباطات خود در تمامی زمینه‌های مادی و معنوی بکوشند و به اصطلاح بخواهند در محدوده‌ی خود بمانند و یا در برابر جهانی‌شدن مقاومت کنند، منزوی خواهند شد. در این وضعیت با قبول انزوا، موجبات عقب‌ماندن از قافله‌ی سیاست، تجارت، صنعت، فرهنگ و علم را فراهم خواهند کرد. شکی نیست که با اتخاذ این سیاست یعنی عدم فعالیت در گستره و زمینه‌هایی که برای آنها وجود دارد به‌طور غیرمستقیم در فرهنگ و اقتصاد کشورهای شمال استحاله شده، به کشورهای فقیر و مصرف‌کننده تبدیل خواهند شد.